

Ethical Basis of Unfair Terms and Their Enforcement Challenges in Iranian Law

M. Rafiee Pari¹, A. Radan Jebeli Ph.D.^{2*}, A. Mazloun Rahnei Ph.D.³

1. Ph.D. Student, Qeshm International Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

2. Department of Law Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

3. Department of Law, Shahr Quds Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

Background: In commercial contracts, sometimes terms are considered that cause one of the parties to be in a weaker position. These terms, which are called unfair terms, are the basis of this article, and the ethical bases of their enforcement challenges in Iranian law constitute the purpose of the study.

Conclusion: The weakness of one of the parties in the contract can indicate the implementation of unfair terms so that these terms are imposed on him. The importance of this issue is due to the scrutiny of fairness in the contract, which is important in both religious, moral and legal dimensions. The most important moral basis of unfair terms is, along with freedom, justice and fairness. The principle of freedom of contract and justice and fairness in transactions are among the established principles in competition law, which actions such as including unfair terms in consumer contracts lead to their violation. For this reason, the necessity of legal treatment of unfair terms by the enforcement authority is very important. The findings indicate that in Iranian law, the main challenge is the lack of a coherent law in the field of unfair terms with a detailed and comprehensive treatment. On the other hand, the issue of honest action is one of the gaps in the field of enforcement and prevention of unfair terms that can be exploited. Finally, making laws and contracts intelligent can be effective in preventing the enforcement of unfair terms, and domestic laws in this field need a fundamental review.

Keywords: Ethics, Justice and fairness, Unfair terms

***Corresponding Author:** A. Radan Jebeli Ph.D., Department of Law Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: aradanjebeli@gmail.com

How to cite: Rafiee Pari M, Radan Jebeli A, Mazloun Rahnei A. Ethical basis of unfair terms and their enforcement challenges in Iranian law. Ethics in Science and Technology. 2025,20(3): 37-44.



Copyright © 2025 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

مبانی اخلاقی شروط غیرمنصفانه و چالش های اجرایی آنها در حقوق ایران

مجید رفیعی پری^۱، دکتر علی رادان جبلی^{۲*}، دکتر علیرضا مظلوم رهنی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد بین المللی قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۳. گروه حقوق، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵)

چکیده

زمینه: در قراردادهای تجاری، گاه شروطی در نظر گرفته می شوند که موجبات قرار گرفتن یکی از طرفین در موضع ضعیف تر را فراهم می کند. این شروط که آن را شروط غیرمنصفانه می گویند اساس این مقاله هستند و مبانی اخلاقی چالش های اجرایی آنها در حقوق ایران هدف مطالعه را تشکیل می دهند.

نتیجه گیری: ضعف یکی از طرفین در قرارداد می تواند دال بر اجرای شروط غیرمنصفانه باشد تا این شروط بر او تحمیل شود. اهمیت این موضوع، به دلیل مذاقه در انصاف در قرارداد است که در هم بُعد دینی، هم اخلاقی و هم حقوقی مهم جلوه می کند. مهم ترین مبنای اخلاقی شروط غیرمنصفانه در کنار آزادی، عدالت و انصاف است. اصل آزادی قرارداد و عدالت و انصاف در معاملات از اصول مسلم در حقوق رقابت است که اقداماتی مانند درج شرایط ناعادلانه در قراردادهای مصرف کننده منجر به نقض آنها می شود. از این جهت ضرورت برخورد قانونی شروط غیرمنصفانه مقام اجرا بسیار مهم است. یافته ها حاکی از آن است که در حقوق ایران، اصلی ترین چالش، نبود قانونی منسجم در زمینه ی شروط غیرمنصفانه با پرداختی جزئی و جامع است. از طرف دیگر مسئله ی عمل صادقانه یکی از خلأهای موجود در زمینه ی اجرا و پیشگیری از شروط غیرمنصفانه است که می توان از آن بهره برد. در آخر نیز هوشمندسازی قوانین و قراردادها می تواند در پیشگیری از اجرایی شدن شروط غیرمنصفانه موثر افتد که قوانین داخلی، در این زمینه نیاز به بازبینی اساسی دارند.

کلید واژگان: اخلاق، عدالت و انصاف، شروط غیرمنصفانه

سرآغاز

سازوکار انعقاد این قراردادها به گونه ای است که درج شرط ناعادلانه منجر به تشکیل نشدن قرارداد می شود. اما اجرای این سازوکار با چالش هایی مواجه است که نیازمند برخی سیاست گذاری های قانونی از جمله هماهنگ سازی مقررات و ایجاد شفافیت اطلاعاتی^۴ است. در حقوق ایران به طور روشن و جزئی به شروط غیرمنصفانه اشاره نشده است با این حال، سه قانون وجود دارد که به طور ضمنی به مقوله شروط غیرمنصفانه قراردادها در قرارداد اشاره می کند. ماده ۱۷۹ قانون دریانوردی، ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیک و ماده ۴۴ قانون اجرای سیاست های کلی از مهم ترین قوانینی هستند که قانونگذار در آنها اعمال شروط غیرمنصفانه قراردادها را ممنوع کرده است. وجود این قوانین و برخی مبانی اساسی که برای دخالت در قرارداد شخصی^۵

شروط غیرمنصفانه^۱ شرطی است که اگرچه طبق قواعد عمومی قراردادها و اصل آزادی قراردادی نسبت به متعهد الزام آور است، اما چون محصول اراده واقعی وی نیست و طرف مقابل با سوءاستفاده از موقعیت برتر خود آن را تحمیل کرده، الزام آور بودن آن نسبت به طرف ضعیف تر خلاف انصاف^۲ است. به عبارت دیگر، مقصود از شرط غیرمنصفانه شرطی است که به واسطه موقعیت ضعیف تر یکی از طرفین، برخلاف خواست وی بر او تحمیل میشود و برای طرف قوی تر امتیازی ویژه در بردارد که تعادل عوضین قرارداد را بر هم میزند.

برای جلوگیری از شرایط فوق در قراردادها، راه حل فناورانه ارائه شده، پیاده سازی بسترهای غیرمتمرکز و انعقاد قراردادهای تجاری^۳ در قالب قراردادهای هوشمند است.

می‌کند، که بر استقلال و اراده یا رضایت طرفین به عنوان عوامل اساسی مشروعیت در پشت نیروی الزام آور قراردادهای تأکید می‌کند (۴). در این میان، چگونه می‌توان با چنین نقطه شروعی قبول کرد که طرفی که حتی ممکن است شرایط را نخوانده باشد و از محتوای آنها چیزی نداند، می‌تواند به آنها مقید باشد؟ اگر این مشکل درک شده باشد، هدف مقرراتی که سعی در رفع مشکل دارد، حفظ رضایت واقعی طرف یا به عبارت کلی تر، آزادی قرارداد واقعی آن طرف است. قوانینی که این هدف را دارند، کمتر بر محتوای نتیجه و بیشتر بر روی روند دستیابی به یک قرارداد متمرکز هستند. آنها مبتنی بر شکلی از عدالت رویه ای هستند.

دوم، ممکن است تمرکز بر ماهیت قرارداد به جای رویه انعقاد قراردادها باشد. در حقوق قراردادهای طبیعی است که به عنوان یک نقطه شروع، به انصاف با توجه به رابطه ماهوی بین طرفین قرارداد توجه شود. بحث اغلب بر تعادل بین آنچه طرفین قول داده اند برای یکدیگر انجام دهند متمرکز است که مهم تلقی می‌شود که قراردادهای عادلانه باشند، یا به جای آن، خیلی غیرمنصفانه به نظر نرسند. تا آنجا که هدف قواعد، ارتقای تعادل قراردادی با توجه به ماهیت قراردادهای است، قواعد مبتنی بر ایده عدالت جایگزین است (۵).

سوم، عناصر عدالت توزیعی^{۱۰} ممکن است گهگاه در این زمینه نیز مرتبط شوند. در این صورت ارزیابی عادلانه بودن تعهد قراردادی اساساً به تعادل بین طرفین مربوط نمی‌شود. بلکه بر ارتقای جایگاه گروه‌های ضعیف تر شهروندان در مقایسه با سایر گروه‌ها متمرکز است. یک مثال از چنین حمایت اجتماعی قراردادی، اصل فورس مازور اجتماعی است که در کشورهای شمال اروپا به کار رفته است.

چهارم، قواعد انصاف در حقوق قراردادهای ممکن است برای حمایت از سایر سیاست‌های اجتماعی استفاده شود. یک مثال معمول مقررات مربوط به نژادپرستی^{۱۱} و برابری جنسیتی^{۱۲} است: قراردادهایی که با چنین مقرراتی مطابقت ندارند ممکن است به این دلیل ناعادلانه تلقی شوند.

براین مبنا، قواعد انصاف بر شبکه پیچیده‌ای از اهداف و مفاهیم عدالت استوار است. اکثر راه حل‌های ملی و بین‌المللی حاوی عناصر رویه‌ای و ماهوی هستند. بدیهی است که قوانین به روز در مورد انصاف و قراردادهای استاندارد به هر دو عنصر پیش گفته نیاز دارد. بسته به اینکه در کجا تأکید می‌شود، رویکردهای متفاوتی برای این موضوع در کشورهای مختلف وجود دارد. در کامن لا معیارهای تعیین منصفانه یا غیرمنصفانه بودن شروط بین حوزه‌های قضایی متفاوت است و این سؤال که آیا قرارداد غیرمنصفانه است یا نه به عنوان یک مسئله قانونی در نظر گرفته می‌شود تا یک مسئله واقعی (۶). به این معنی که در حوزه‌هایی که هیئت منصفه در پرونده‌های مدنی به کار می‌روند، این قاضی است و نه هیئت منصفه که تصمیم می‌گیرد که آیا این دکتربین را اعمال کند یا خیر. دادگاه به محض تشخیص غیرمنصفانه بودن، انعطاف قابل توجهی در مورد نحوه اصلاح وضعیت دارد. ممکن است از اجرای قرارداد علیه طرفی که بر اساس این نظریه که همراه شده، فاقد

طرفین وجود دارد، بر اساس وجود شروط غیرمنصفانه، موجب شده است که دوری از مبانی سنتی حاکمیت اراده مستلزم گذشت زمان باشد. با این حال، توجه و کلا، دکتربین و نقش پویای رویه قضایی تا نهایتاً جهات مختلف موضوع و ضمانت اجرا باید در قانون تخصصی تصویب شود. در این گستره، نیاز به بررسی چالش‌های اجرایی شروط غیرمنصفانه قراردادهای در حقوق ایران احساس می‌شود که در این مقاله بدان پرداخته شده است. لذا در این مقاله در کنار بررسی مبانی اخلاقی^۶ شروط غیرمنصفانه به دنبال پاسخ به این سوالیم که چالش‌های اجرایی^۷ در مواجهه با شروط غیر منصفانه قرارداد در حقوق ایران کدامند؟

بحث

ماهیت شروط غیرمنصفانه و مبانی اخلاقی آن

شروط غیرمنصفانه گاهی در خلال قراردادهای مطرح می‌شود. درواقع شروط غیرمنصفانه قرارداد، شرایط خاص قراردادی هستند که به شدت، یک طرفه یا غیر وجدانی هستند. شرایط غیرمنصفانه اصل کلی قابل اجرا بودن حاکم بر قراردادهای را محدود می‌کند، که معتقد است قراردادهای باید در صورتی اجرا شوند که آزادانه تنظیم شوند. شروط غیرمنصفانه معمولاً به دلیل ضعف طرف مقابل قرارداد بر او تحمیل می‌گردد. این در حالی است که معمولاً قرارداد به شکل استاندارد تهیه شده است و شامل شرایط و ضوابط عمومی است که غیرقابل مذاکره است.

دو اصل اساسی اخلاقی عدالت^۸ و انصاف بعنوان مهم ترین ابعاد اخلاقی شروط غیر منصفانه مطرح هستند (۱). انصاف و عدالت در قراردادهای در اکثر مواقع ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند و بجای یکدیگر به معمولاً به کار می‌روند. درواقع در قراردادهای، این تنها درک ما از عدالت نیست که نحوه برخورد ما با موضوع انصاف قراردادی را تعیین می‌کند. نگرش ما همچنین عمیقاً در تفسیر و بینش ما از جامعه از جنبه‌های دیگر نهفته است. طراحی قوانین انصاف تا حدی به نحوه درک ما از رفتار معمولی انسانی و اینکه چگونه یک جامعه خوب را تصویر می‌کنیم، مرتبط است (۲). ادراک ما از انسان، اقتصاد، روابط اجتماعی^۹ و کارکردهای قانون همگی ممکن است به جایی که انصاف در ساختار حقوق قراردادهای داده شده است کمک کند. در مورد درک انسان‌ها، نیاز به قواعد انصاف قراردادی بدیهی است که به قوت این فرض عقلانی بستگی دارد که حقوق قراردادهای بر اساس آن استوار است - یعنی فرض می‌شود که طرفین در هنگام بستن قراردادهای چگونه عقلانی عمل می‌کنند (۳). براین اساس موضوع انصاف قطعاً پیچیده‌تر از آن چیزی است که اغلب ساده سازی می‌شود. قواعدی که در این زمینه یافت می‌شود اهداف ممکن زیادی دارد که اشکال مختلف عدالت را منعکس می‌کند:

اول، در گفتمان قرارداد، مشکل شرایط قرارداد غیرمنصفانه اغلب در ارتباط با مقررات مربوط به شرایط فرم استاندارد مطرح می‌شود. استفاده از چنین شرایطی مشکلات آشکاری را برای رویه‌ی قرارداد سنتی ایجاد

اطلاعات بوده، یا تحت فشار یا سوء تفاهم امضا شده است، با ناعادلانه رفتار شده امتناع کند(۷). در این رویکرد، شروط غیرمنصفانه رویه ای به مثابه ضرری تلقی می شود که طرف ضعیف تر در مذاکرات متحمل می شود.

در ادامه ضمن بررسی اصول اخلاقی انصاف و آزادی^{۱۳} در حقوق ایران، چالش های اجرایی شروط غیرمنصفانه مورد بحث قرار می گیرد.

اصل انصاف و آزادی در حقوق ایران

اصل انصاف یکی از اصول قانون تجارت است که بعضاً با اقدامات ضدرقابتی برخی تجار نقض می شود. گنجاندن شرایط ناعادلانه در قراردادهای تجاری از جمله اقداماتی است که می تواند کیفیت اجرای این اصل را به خطر بیندازد. این شرایط گاه در نتیجه رفتارهای معامله گران کلان در حلقه های زنجیره تامین اولیه در قراردادهای تاجر حلقه پایانی و گاه در نتیجه شرایط پیرامون قراردادهای تجاری و مصرف کننده تحمیل می شود. برای جلوگیری از شرایط فوق در قراردادها، راه حل فناورانه ارائه شده در سطح بین المللی، پیاده سازی بسترهای غیرمتمرکز و انعقاد قراردادهای تجاری در قالب قراردادهای هوشمند است (۸-۱۰). سازوکار انعقاد این قراردادها به گونه ای است که درج شرط ناعادلانه منجر به تشکیل نشدن قرارداد می شود. اما اجرای این سازوکار در نظام حقوقی^{۱۴} کشورها با چالش هایی مواجه است که نیازمند برخی سیاست گذاری های قانونی از جمله هماهنگ سازی مقررات بین المللی و ایجاد شفافیت اطلاعاتی است.

فعالیت شرکت ها به عنوان بازیگران اصلی مبادله کالا و خدمات در بازار همواره به عنوان یکی از اصول توسعه کسب و کار مطرح بوده است. نیاز به سودآوری بیشتر و ایفای نقش گسترده در معاملات بازار، گاهی تنش هایی را بین شرکت ها ایجاد می کند که در برخی موارد منجر به اقدامات ضد رقابتی در بازار می شود. اصل آزادی قرارداد و انصاف در معاملات دو اصل مسلم در حقوق رقابت است که اقداماتی مانند درج شرایط ناعادلانه در قراردادهای مصرف کننده منجر به نقض آنها می شود. این شروط به دلایلی از قبیل عدم آگاهی مصرف کننده از ماهیت آن، عدم مطالعه دقیق قرارداد، ضمیمه شدن قرارداد و دلایل دیگر حتی بدون رضایت طرف معامله در قرارداد گنجانده شده و در صورت وجود، وی را ملزم به انجام امور می نماید (۱۱ و ۱۲).

گنجاندن شروط ناعادلانه در قرارداد گاه در نتیجه رفتار تجار بزرگ در حلقه های اولیه زنجیره تامین در قراردادهای معامله گران حلقه نهایی و گاه در نتیجه وضعیت حاکم بر قراردادهای تجار و مصرف کنندگان رخ می دهد. در این میان نظام حقوقی فرانسه با استناد به بند دوم بند نهم و ابتدای همان بند از بند ششم ماده ۴۴۲ قانون تجارت و ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی^{۱۵} به تبیین نقش شفافیت در ایجاد شفافیت می پردازد. آزادی قراردادی بیشتر، جلوگیری از سوء استفاده طرفین و پیش بینی مسئولیت مدنی متخلفان از این اصل، ممنوعیت درج شرایط ناعادلانه در قراردادهای تجاری تجار را مد نظر قرار داده اند. در سیستم حقوقی انگلستان، نیز همانطور که در فصل سوم آمد شرط ناعادلانه در

قراردادهای تجاری مصرف کننده نیز در بخش دوم قانون حقوق مصرف کننده ۲۰۱۵ مشخص شده است. طبق مفاد بند اول و سوم بند دوم این بند، این شرایط برای مصرف کنندگان قابل اجرا نیست و درج آنها در قرارداد به هیچ وجه مصرف کننده را ملزم به اجرای آن نمی کند تا زمانی که شخص متعهد به انجام آن نباشد که این شرایط را بپذیرید نمی کند. علاوه بر این، در زمینه قراردادهای خرده فروشی و تامین کننده، قانون رویه آماده سازی مواد غذایی انگلستان در سال ۲۰۰۹، به عنوان یک قانون جامع که کلیه قراردادهای مصرف کننده را در بر می گیرد، شرایطی را برای نحوه انعقاد قراردادهای مصرف کننده و اعمال قواعد قانون رقابت فراهم می کند و بند اول قانون رقابت بند دوم قانون، عادلانه بودن معامله را به طور کلی به عدم وجود تبعیض بین مصرف کنندگان، عدم وجود محدودیت های غیرعادی در قرارداد و عدم سوء استفاده و فشار ناشی از موضع طرف مقابل تعمیم می دهد. در نظام حقوقی ایران احکامی مانند ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیک، ماده ۵۴ قانون دریایی، ماده ۸ قانون حمایت از حقوق مصرف کننده، ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان خودرو و ماده ۴۴ قانون پنجم اقتصادی و قانون توسعه اجتماعی در این خصوص آمده است.

از دیرباز به دلیل تخصصی شدن امور و تقسیم کار در یک جامعه، افراد مجبورند برای رفع نیازهای خود با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. با توجه به این تغییرات گسترده و اجتناب ناپذیر اجتماعی، اصل آزادی قراردادی که مبتنی بر مفروضاتی مانند استقلال افراد در رابطه با یکدیگر و برابری آنها در قراردادها است، با چالش های جدی مواجه شده است. وظیفه دولت هاست که با اجرای این اصل ضمن اعمال حداقل مداخله، زمینه شکوفایی خلاقیت و استعداد افراد را در جهت بهبود رفاه افراد و به تبع آن جامعه فراهم کند. اکنون واضح است که فرض تساوی و استقلال افراد در مراجعه و انعقاد قراردادها با یکدیگر بیشتر به توهم نزدیک است تا واقعیت. این تغییرات باعث شده است که اصل آزادی قراردادی اعتبار و قداست سابق خود را در حقوق امروزی از دست داده و با تخصیص ها و محدودیت های جدی مواجه شود. هدف اصلی از اعمال این محدودیت ها بازگرداندن تعادل به روابط قراردادی و برقراری نظم اجتماعی عادلانه است. یکی از مصادیق این محدودیت ها ایجاد « شروط غیرمنصفانه » است. در این تأسیس، اگر تعهدی طبق قوانین قانونی اعلام شده ناعادلانه تشخیص داده شود، اثر تحمیلی آن بر طرف دیگر (عموماً ضعیف تر) حذف می شود. در واقع، اگرچه بر اساس اصل آزادی قراردادی، متعهد به چنین قراردادی ملزم است، اما در عمل و طبق نظر قانونگذار، تعهد ناشی از « شروط غیرمنصفانه » از شرط خلاف آن ساقط خواهد شد.

چالش های اجرایی شروط غیرمنصفانه

در ذیل سعی شده است تا چالش هایی که برای جلوگیری از شروط غیرمنصفانه در مقام اجرا هستند مورد اشاره و تحلیل قرار گیرد.

الف) نبود قانونی منسجم در زمینه ی شروط غیرمنصفانه

پذیرش منعقد می‌شود که هر یک باید شرایط خاصی را داشته باشند. بر اساس الزام آور بودن اصل قراردادها در شرع، الزام آور بودن قراردادها اساس روابط طرفین است. مطابق ماده ۲۱۹ قانون مدنی ایران، عقودى که به موجب قانون منعقد می‌شود، برای طرفین لازم‌الاتباع است، مگر اینکه با توافق طرفین یا دلایل قانونی فسخ شده باشد. به عبارت دیگر، فسخ قرارداد ممکن است به دلیل توافق طرفین، اراده حقوقی یکی از طرفین و یا به موجب حاکمیت انحصاری قانون باشد.

به عبارت دقیق‌تر، قراردادها از نظر انحلال و دوام، طبق قوانین ایران به دو دسته قابل فسخ (جایز) و غیر قابل فسخ (لازم) تقسیم می‌شوند. طبق ماده ۱۸۵ قانون مدنی ایران، عقد غیر قابل فسخ را هیچ یک از طرفین نمی‌توانند جز در شرایط معینی فسخ کنند و فقط طرفی می‌تواند عقد را فسخ کند. از سوی دیگر، قراردادهای قابل فسخ توسط هر یک از طرفین هر زمان که بخواهند قابل فسخ هستند و نیازی به گنجاندن اختیار فسخ قرارداد در شرایط قراردادی نیست. براین اساس در قانون مدنی ایران بخش خاصی در مورد تفسیر قرارداد در گستره‌ی اجرای آن وجود ندارد. در حالی که تعهدات و حقوق طرفین به طور کلی توسط شرایط قرارداد تعیین می‌شود، مقررات خاصی در این شرایط قرائت می‌شود. ماده ۲۲۵ قانون مدنی ایران به این امر مشهود است که به موجب آن اگر مواردی که عرفاً جزء عقد تلقی می‌شود در عقد قید نشده باشد، در ضمن عقد تلقی می‌شود. در ماده ۲۲۰ نیز به این موضوع اشاره شده است که نقش عمل در آن را توجیه می‌کند.

ب) عمل صادقانه در اجرای تعهدات قراردادی

عمل صادقانه در اجرای تعهدات قراردادی می‌تواند یکی از اصلی‌ترین راه حل‌ها برای پیشگیری از اجرای شروط غیرمنصفانه باشد. در حقوق قراردادهای کانادا، دو وظیفه مجزا تعریف شده است که طرفین را ملزم می‌کند با حسن نیت عمل کنند. اولی مربوط به روابط قبل از قرارداد، وظیفه مذاکره با حسن نیت است، در حالی که دومی وظیفه عمل صادقانه در اجرای تعهدات قراردادی است. این دو وظیفه به یک اندازه به قانون مدنی کبک و رویکردهای قانون عرفی سایر استانها و مناطق به قانون قرارداد مرتبط هستند، که نشان دهنده تلاش دادگاه‌های عالی کانادا برای گسترش وظایف حسن نیت مندرج در قانون کبک صلاحیت های قانونی کشور به رویه قضایی است. علاوه بر این، در استان‌ها و سرزمین‌های کامن‌لا، دکتترین استوپل روش دیگری است که در آن دادگاه‌ها توانایی طرفین قرارداد را برای عمل بد نیت محدود می‌کنند. همچنین وظیفه مذاکره با حسن نیت در قانون قرارداد کبکوا توسط تعهد گسترده‌تر افراد برای اعمال حقوق مدنی خود با حسن نیت ذکر شده است و در شرایط خاص در حوزه‌های قضایی کامن‌لا به رسمیت شناخته شده است. در کبک، این حق در ماده ۱۳۷۵ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد طرفین قرارداد نه تنها در زمان انجام تعهد بلکه «در زمان وقوع تعهد» نیز باید با حسن نیت عمل کنند (۱۵). این وظیفه طرفین قرارداد را از «[دروغ گفتن] یا به نحو دیگری آگاهانه [در مورد موضوعاتی که مستقیماً با اجرای قرارداد] مرتبط است همراه کنند» منع می‌کند. در استان‌ها و قلمروهای حقوقی، وظیفه اجرای صادقانه

به نظر می‌رسد اگرچه در قوانین داخلی اشاراتی به شروط غیرمنصفانه در ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیک و حقوق دریاها شده است اما این شروط، در قوانین ما نیاز به بازتعریف اساسی دارند و در این مورد قوانین داخلی خلا دارند. از آنجایی که دولت اختیارات خود را در اجرای احکام داورى می‌گذارد، ایجاب می‌کند که رسیدگی داورى و همچنین ترکیب دادگاه داورى حداقل معیارهایی باشد که از ویژگی‌های اجتناب‌ناپذیر هر رسیدگی عادلانه تلقی می‌شود و قوانین نیز موید زمانه و عصر خود باشند. اصل حاکمیت اراده در قوانین داخلی کشورهای مختلف و نیز کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی و رویه‌های داورى پذیرفته شده است. طرفین در تعیین قانون حاکم بر ماهیت دعوى آزادند. در حقوق داورى تجارى بین‌المللى ایران، مانند قانون نمونه آنسیترال، آزادی اراده طرفین در انتخاب قانون ماهوى حاکم بر اختلاف رعایت شده است. بنابراین به نظر می‌رسد که در برخی از موارد با توجه به اراده طرفین می‌توان به استناد بند ۳ و ۴ ماده ۲۷ داورى تجارى بین‌المللى راسا نسبت به شروط غیر منصفانه تصمیم‌گیری به عمل آید. بند اول ماده ۲۷ قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران در واقع ترجمه فارسی ماده ۲۸ قانون نمونه آنسیترال است و بر این اساس انتخاب طرفین داورى اولویت بوده و محدودیتی ندارد. با این وجود در مقام تحلیلی جامع، "به نظر نمی‌رسد به شکل یک قاعده، تفسیر ماده ۲۷ به گونه‌ای باشد که اعتبار هر انتخابی از قوانین ماهوى حاکم را مجاز بداند، بلکه این ماده تا آنجا به انتخاب طرفین احترام می‌گذارد که طبق قانون حاکم بر قرارداد داورى نیز معتبر است" (۱۳). ضمناً ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران در این مورد با مشکل مواجه است و به ویژه از حیث آزادی عمل اتباع ایرانی برای موافقت با چنین انتخاب مطلق و نامحدود، چندان روشن و آسان نیست. این ماده در واقع آزادی انتخاب اتباع ایرانی را که برخلاف قاعده مندرج در آن است، محدود می‌کند، با این فرض که به دلیل انعقاد قرارداد در ایران، موضوع مشمول قانون ایران خواهد بود. درواقع، "در صورت سکوت کامل طرفین به نحوی که نمی‌توان اراده ضمنی آنها را استنباط کرد"، داوران طبق قوانین ایران از آزادی به معنای عام مندرج در کنوانسیون‌ها و رویه داورى بین‌المللى برخوردار نیستند و باید قانون لازم الاجرا بر اساس قواعد تعارض قوانین ایران تعیین کنند. در این میان می‌توان گفت که وجود ماده ۹۶۸ قانون مدنی و ماده ۲۷ قانون داورى تجارى بین‌المللى در حقوق ایران موجب پیدایش دو قاعده حل تعارض متفاوت در مورد قراردادها در نظام حقوقی ایران شده است (۱۴). طبق ماده ۹۶۸ قانون مدنی، طرفین ایرانی قراردادهای بین‌المللی صلاحیت تعیین قانون حاکم بر قرارداد خود را ندارند، اما به موجب ماده ۲۷ قانون داورى تجارى بین‌المللى، این اختیار به آنها داده شده است.

در اکثر نظام‌های حقوق مدنی، قرارداد به عنوان ملاقات اراده طرفین توصیف می‌شود. قرارداد طبق قوانین فرانسه مبتنی بر رضایت و نظریه استقلال است. نظریه عمومی حقوق قراردادهای ایران نیز مبتنی بر اجماعی بودن قراردادها است. در حالی که هیچ فرم خاصی برای تشکیل قرارداد مورد نیاز نیست، اگر الزامات رسمی برآورده نشود، برخی از قراردادهای الزام آور نیستند. به طور کلی، قراردادهایی با مبادله پیشنهاد و

قراردادی ریشه در دکتین حقوق مدنی سوء استفاده از حقوق دارد و دادگاه عالی کانادا مقرر کرده است که سابقه قانون قرارداد کبکوا برای تفسیر این تکلیف در مواردی که در قانون عرفی این کشور ایجاد می شود قابل اعمال است. در نتیجه، در تمام حوزه های قضایی کانادا، این وظیفه ریشه در مواد ۶، ۷ و ۱۳۷۵ قانون مدنی کبک دارد؛ به ویژه در ماده ۷ که «هیچ حقی را نمی توان به قصد صدمه رساندن به دیگری یا به نحوی بیش از حد و غیر معقول اعمال کرد» (۱۶) در حالی که این وظیفه در خدمت رفع یا نفی حقوق طرف در قرارداد نیست، بلکه در خدمت محدود کردن این روش است. طرفین قرارداد می توانند از حقوق خود استفاده کنند با الزام طرفین باید با حسن نیت «هم در زمان وقوع تعهد و هم در زمان انجام یا خاموش شدن آن» عمل کنند (۱۷).

در سال های اخیر قوانین مختلفی در خصوص حمایت از مصرف کننده در کشور ما به تصویب رسیده است که مقرراتی در خصوص شرایط ناعادلانه دارد. به خصوص قانون تجارت الکترونیک که به صراحت به موضوع شرایط ناعادلانه اشاره کرده است، علاوه بر اینها در بخش هایی از قانون که مستقیماً به حقوق مصرف کننده مربوط نمی شود، به این موضوع نیز توجه شده است. با این حال، قانون حمایت از مصرف کننده به صراحت به موضوع شرایط ناعادلانه در قراردادهای مصرف کننده نمی پردازد. با این وجود در بند ۵ ماده ۱ خود در تعریف تبانی، تحمیل عبارات ناعادلانه را یکی از مصادیق تبانی می داند. همچنین ماده ۸، تحمیل شرایط از سوی عرضه کنندگان را همراه با تبانی می آورد و هر دوی آنها را در صورتی که موجب کاهش عرضه یا کاهش کیفیت یا افزایش قیمت شود، جرم محسوب می شود. در اینجا اگرچه می توان با تسامح، اشاره به تبانی تحمیل شروط غیرعادلانه در قانون فوق را نزدیک به عمل صادقانه در اجرای تعهدات قراردادی در نظر گرفت اما نمی توان این دو را مساوی تبیین کرد و همین مسئله نیاز به مذاقه از جانب قانونگذار برای پرداختن جزئی تر به چالش های اجرایی شروط غیرمنصفانه در قرارداد دارد. از جانب دیگر منظور از تحمیل شرایط، روشن نیست و هم می تواند اکراه و اجبار را در برگیرد و هم اضطراب در عقد قرارداد را.

در ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیک نیز اگرچه به صراحت به موضوع شروط ناعادلانه توجه شده و شروط غیرمنصفانه - به ضرر مصرف کننده - بلا اثر شمرده شده است اما قانون فوق تعریفی از شرایط غیرمنصفانه ارائه نکرده است، ضمناً ضمانت اجرا بدون اثر در نظام حقوقی ما سابقه نداشته و مشخص نیست که آیا به معنای بطلان شرط است یا چیز دیگری؟ همچنین تأثیر شرط بر عقد مشخص نشده است و بحث حدود اجرای این ماده نیز در اینجا قابل بحث است. در اینجا نیز عمل صادقانه در اجرای تعهدات قراردادی را نمی توان از ماده ی قانون فوق استنباط کرد.

ج) هوشمندسازی قوانین و جزئی کردن آن

در نظام حقوقی ایران احکامی مانند ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیک، ماده ۵۴ قانون دریایی، ماده ۸ قانون حمایت از حقوق مصرف کننده، ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان خودرو و ماده ۴۴ قانون

پنجم اقتصادی و قانون توسعه اجتماعی و فرهنگ جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی برای جلوگیری از درج شروط ناعادلانه در قرارداد پیش بینی شده است اگرچه صریحاً شروط غیرمنصفانه مورد اشاره ی جزئی و روشن قرار نگرفته است.

قراردادهای هوشمند قراردادهایی هستند که با انعقاد در بسترهای غیرمتمرکز نسبت به سایر قراردادهای الکترونیکی از ویژگی های بالاتری مانند سرعت و امنیت برخوردار بوده و سازوکار حاکم بر انعقاد این قراردادها امکان جلوگیری از درج شرایط غیرمنصفانه را دارد. با این حال، نحوه اجرای این مکانیسم مستلزم برخی سیاست های قانونی از جمله سیاست های قانونی برای استانداردسازی مقررات بین المللی و تعیین محدوده سیستم های اطلاعاتی اوراکل است.

امروزه تأیید مفاد قراردادهایی که توسط افراد منعقد می شود توسط هوش مصنوعی انجام می شود. در راستی آزمایی مفاد قراردادهای هوش مصنوعی شرایط آنها را بررسی می کند و در صورت مطابقت، آنها را در بلاک چین ثبت و عرضه می کند (۱۴). هوش مصنوعی ابررایانه ای است که پروتکل های تعبیه شده در پردازنده آن خط مشی عملکرد این کامپیوتر را در پردازش داده های پیام های الکترونیکی تعیین می کند. در ابتدای طراحی، این پروتکل ها شامل قوانین و مقرراتی است که در خواندن مفاد قراردادهای هوشمند استفاده می شود. این در حالی است که قوانین ایران، در قبال هوشمندسازی قراردادهای، کمترین تغییرات را داشته است و لازم است تا در خصوص شروط غیرمنصفانه، هوشمندسازی و اساساً مسئله ی هوش مصنوعی مورد تدقیق قانونگذار قرار گیرد. چنانچه مقررات تدوین شده در پردازنده هوش مصنوعی شامل قوانینی برای جلوگیری از درج شرایط ناعادلانه در قراردادهای منعقد شده باشد، اهداف اجرایی قابل تحقق خواهد بود.

برای جلوگیری از شروط غیرمنصفانه در قراردادهای، راه حل فناورانه ارائه شده در سطح بین المللی، پیاده سازی بسترهای غیرمتمرکز و انعقاد قراردادهای تجاری در قالب قراردادهای هوشمند است. سازوکار انعقاد این قراردادها به گونه ای است که درج شرط ناعادلانه منجر به تشکیل نشدن قرارداد می شود. اما اجرای این سازوکار در نظام حقوقی کشورها با چالش هایی مواجه است که نیازمند برخی سیاست گذاری های قانونی از جمله هماهنگ سازی مقررات بین المللی و ایجاد شفافیت اطلاعاتی است. مکانیزم نهایی شدن این قراردادها در ابتدای توسعه بلاک چین در کشورهای توسعه یافته، تصویب مفاد قرارداد نهایی با اجماع کاربران پلتفرم بود. بعدها با توسعه این بستر به اقصی نقاط جهان و لزوم انجام هر چه سریعتر مبادلات تجاری، کشورها با استفاده از سیستم های خبره زمینه را برای تأیید نهایی قرارداد توسط هوش مصنوعی فراهم کردند. در تأیید قراردادهای هوش مصنوعی مفاد آنها را مطابق با پروتکل هایی که به پردازنده اش داده می شود، می خواند و در صورت رعایت آنها، آنها را در بلاک چین ثبت و عرضه می کند. بنابراین، اگر پیش نویس قوانین در پردازنده هوش مصنوعی حاوی قوانینی برای جلوگیری از درج شرایط ناعادلانه در قراردادهای باشد، اهداف موجود قابل دستیابی خواهد بود. اما اجرای این سازوکار در یک نظام حقوقی با چالش هایی مانند ملاحظات

این شرایط گاه در نتیجه رفتارهای معامله گران کلان در حلقه های زنجیره تامین اولیه در قراردادهای تاجر حلقه پایانی و گاه در نتیجه شرایط پیرامون قراردادهای تجاری و مصرف کننده تحمیل می شود. در این بین یکی از چالش هایی که کمتر در حقوق داخلی بدان پرداخته شده است هوشمندسازی قراردادهای برای جلوگیری از پیش کشیده شروط غیرمنصفانه است که نیاز است قانونگذار با توجه به تغییر جهانی که در آن زیست می کنیم در آن دقیق شود. عمل صادقانه در اجرای تعهدات قراردادی نیز از دیگر چالش های موجود است که حقوق ما می تواند از آن بهره بگیرد تا در پیشگیری از اجرای شروط غیرمنصفانه نهایت احتیاط به عمل آید.

ملاحظه های اخلاقی

در پژوهش حاضر حق معنوی مولفین آثار مورد احترام قرار گرفته و قوانین تعارض منافع کاملاً مورد توجه قرار گرفته است.

واژه نامه

1. Unfair condition	شرط غیر منصفانه
2. Fair	انصاف
3. Commercial contract	قرارداد تجاری
4. Informational transparency	شفافیت اطلاعاتی
5. Personal contract	قرارداد شخصی
6. Ethical foundations	مبانی اخلاقی
7. Executive challenges	چالش های اجرایی
8. Justice	عدالت
9. Social relationship	روابط اجتماعی
10. Distributed justice	عدالت توزیعی
11. Racism	نژاد پرستی
12. Gender equality	برابری جنسیتی
13. Freedom	آزادی
14. Legal system	نظام حقوقی
15. Civil law	قانون مدنی

References

1. Amani M, Hassani MM. Unfair term in morality, law and Islamic jurisprudence. Judgment, 2017; 17(91): 61-88.
2. Adel M, Shamsollahi M. Unfair contract terms in consumer contracts. Private Law Research, 2019; 7(25): 205-234. doi: <https://doi.org/10.22054/jplr.2018.27677.1725>
3. Howells G. The potential and limits of consumer empowerment by information. Journal of Law and Society, 2005; 32(3): 349-370.

سیاسی و امنیتی و مفاد قوانین و مقررات همراه است. به عبارت دیگر، شرایط قراردادهای بدون توجه به شرایط قرارداد، مانند شرایط زمان جنگ یا نوع قرارداد (مانند قراردادهای انتقال فناوری که شرایط خاصی در قرارداد دارند) توسط هوش مصنوعی خوانده می شود. این خلأ بایسته است که هرچه زودتر در گستره ی حقوقی و قانونی ایران را نیز مورد مذاقه قرار گیرد.

نتیجه گیری

در چارچوب قانون معاملات سنتی و بر اساس اصل آزادی قرارداد، اکثر معاملات یا شرایط قراردادی به طور سیستماتیک منجر به از دست دادن طرف ضعیف و تخصیص ناکارآمد منابع می شود. طرف های ضعیف معاملاتی که تحت قوانین قراردادهای سنتی قرار می گیرند، دیگر نمی توانند منافع و تعهدات خود را در قرارداد متعادل کنند و منابع را به طور مؤثر تخصیص دهند. بنابراین گاه چنین قراردادهایی به داشتن شروط غیر منصفانه تعبیر می شوند. شروط غیرمنصفانه گاهی در خلال قراردادهای مطرح می شود. درواقع شروط غیرمنصفانه قرارداد، شرایط خاص قراردادی هستند که به شدت، یک طرفه یا غیر وجدانی هستند. اصل آزادی قرارداد و عدالت و انصاف در معاملات از اصول مسلم در حقوق رقابت است که اقداماتی مانند درج شرایط ناعادلانه در قراردادهای مصرف کننده منجر به نقض آنها می شود. از این جهت ضرورت برخورد قانونی شروط غیرمنصفانه مقام اجرا بسیار مهم است. بحث اجرای شروط غیرمنصفانه و پیشگیری از آن از مسائل مهم در قراردادهایست. وظیفه اجرای صادقانه قراردادی یک وظیفه قراردادی و اصطلاح ضمنی یک قرارداد است. انصاف و حسن نیت در رابطه با قرارداد در دو مرحله مطرح می شود: یکی در مرحله انعقاد قرارداد و دیگری در قرارداد منعقد شده ای که با مفاد منعقد شده که منصفانه نیست مطرح می شود. در هردوی این مراحل، عمل صادقانه در اجرای تعهدات قراردادی باید مورد توجه قرار بگیرد که در قانون ما این مسئله، مسکوت مانده است که البته همانطور که آوردیم یکی از مسائل و چالش ای شروط غیرمنصفانه در مقام اجراست. از طرف دیگر اصل انصاف یکی از اصول قانون تجارت است که بعضاً با اقدامات ضدرقابتی برخی تجار نقض می شود. گنجاندن شرایط ناعادلانه در قراردادهای تجاری از جمله اقداماتی است که می تواند کیفیت اجرای این اصل را به خطر بیندازد.

4. Müller D, Schmitz PW. The right to quit work: An efficiency rationale for restricting the freedom of contract. Journal of Economic Behavior & Organization, 2021; 184: 653-669. Doi: [10.1016/j.jebo.2021.02.004](https://doi.org/10.1016/j.jebo.2021.02.004)
5. Howells G, Schultze R. Modernizing and harmonizing consumer contract law. 1st ed. Munich: European Law Publisher, 2009
6. Black A J. Undue influence and unconscionability in contracts and the equitable remedy of rescission in Canada. New England Journal of International and Comparative Law, 2011; 17: 47

7. Koszegi B. Behavioral contract theory. Journal of Economic Literature, 2014; 52 (4): 1075–1118.
8. Taghizadeh E, Ahmadi A. Unfair terms in Iranian law in view of article “46” of Iranian Electronic Commerce Act. Private Law Research, 2015; 3(10): 9-42.
9. Heydarzadeh Lakoojidehi S. Ethical examination of fairness and justice in the arbitration of public bodies. Ethics in Science and Technology 2024; 19 (3) :93-101.
10. Kalhori J, Rezaei M, Pileh Var M. Ethical dimensions of non-responsibility condition in Iranian law and international law. Ethics in Science and Technology 2024; 18 (4) :31-36. Dor: [20.1001.1.22517634.1402.18.4.4.7](https://doi.org/10.1001/1.22517634.1402.18.4.4.7)
11. Garshasbi A, Maleki J, Asgharian M. Ethical challenges of arbitration in Iranian law. Ethics in Science and Technology 2024; 18 (4) :37-43. Dor: [20.1001.1.22517634.1402.18.4.5.8](https://doi.org/10.1001/1.22517634.1402.18.4.5.8)
12. Ahmadzadeh Bazzaz S AAM, Rezaee M, Ghabooli Dorafshan SMS. The concept and status of unfair terms in european law and the written law of Iran: with an approach to justice and fairness in Imamiyah Jurisprudent. Comparative Studies on Islamic and Western Law, 2018; 5(3): 1-34. doi: <https://doi.org/10.22091/csiw.2019.3327.1410>
13. Seifi SJ. Iran's international commercial arbitration law in accordance with the UNCITRAL model arbitration law. Legal Journal, 1998; 23: 71-72
14. Nikbakht HR. Article 968 of the Civil Code and Article 27 of the Iranian international commercial arbitration law. Journal of Legal Research, 2000; 31-32:146-153.
15. Carter JW, Courtney W. Good faith in contracts: is there an implied promise to act honestly? The Cambridge Law Journal. 2016; 1(3): 1-12. Doi: [10.1017/S0008197316000507](https://doi.org/10.1017/S0008197316000507)
16. Sentosa M, Badriyah SM, Yunarto. Good faith principles in international business contract law. International Journal of Law and Politics Studies, 2023; 5(2): 27-33. Doi: [10.32996/ijlps.2023.5.2.3](https://doi.org/10.32996/ijlps.2023.5.2.3)
17. Giliker P. Contract Negotiations and the Common Law: A Move to Good Faith in Commercial Contracting? Liverpool Law Review, 2022; 43(125). Doi: [10.1007/s10991-022-09299-2](https://doi.org/10.1007/s10991-022-09299-2)